

فره‌یختگان

چتر هسته‌ای شکسته

پس از بازدارندگی گسترده، چه می‌آید؟

نویسندگان: جنیفر لیند و داریل جی. پیرس
مترجم: علی موسوی
پژوهشگر رسانه

مطلب ذیل ترجمه و طبعی است که همه منطق و الفاظ استفاده شده در این متن مورد تأیید «فرهیختگان» نیست؛ اما جهت اطلاع از ابعاد مختلف موضوع، در یک روزنامه دانشگاهی منتشر می‌شود.

■ ■ ■

برای دهه‌ها، متحندان آمریکا در آسیا و اروپا برای تأمین امنیت خود بر بازدارندگی هسته‌ای گسترده ایالات متحده تکیه داشته‌اند. آن‌ها از دستیابی به سلاح هسته‌ای اختصاصی خود صرف‌نظر کرده و پذیرفته‌اند که زیر چتر هسته‌ای ایالات متحده زندگی کنند. این ترتیبات در دوران جنگ‌سرد کارآمد بود، زیرا آنچه در آن رقابت بر سر آن بودند چنان اهمیت حیاتی داشت که ایالات متحده می‌توانست به طور معتبر – هرچند به‌سختی – ادعا کند که برای جلوگیری از تسخیر متحداش، حتی با وجود خطر فاجعه‌بار برای خود، دست به جنگ هسته‌ای خواهد زد. اما جهانی که نظام بازدارندگی گسترده آمریکا در آن شکل گرفت، مدت‌هاست که از میان رفته است. ایالات متحده همچنان منافع مهمی در اروپا دارد، اما تهدید روسیه بسیار محدودتر از زمانی است که اتحاد شوروی آماده تسخیر بخش بزرگی از اروپا آسیا بود. یک جنگ امروزی درباره مرزهای دقیق نفوذ مسکو در اروپای شرقی خواهد بود، نه درباره موازنه قوای جهانی. به طور مشابه، شبه‌جزیره کره روزگاری میدان نبرد بلوک‌های رقیب جنگ سرد بود؛ اما امروز، آن مناقشه عمدتاً محلی است و پیوند یکپانگ به طور جدگانه در پی حفظ قدرت خویش است. افزون بر این، دیگه‌دوله ترامپ مبنی بر اینکه هدف اصلی اتحادها، پیش از هر چیز، تقویت منافع ملی ایالات متحده است، با وعده به خطر انداختن شهرهای آمریکا برای دفاع از متحندان در معرض قرار دارد. در جهانی که جنگ‌ها عمدتاً منطقه‌ای هستند و واشنگتن در حال عقب‌نشینی است، باور به اینکه ایالات متحده برای متحندان دوردست دست به جنگ هسته‌ای زند، دشوار می‌نماید.

ازاین رو، متحندان ایالات متحده به طور فزاینده‌ای نگرانند که نظام بازدارندگی گسترده اکنون یک حقه است. ترس‌های آن‌ها موجه است. رهبران کنونی، لهستان و کره جنوبی نمی‌توانند اطمینان داشته باشند که ایالات متحده خود را برای امنیتشان به خطر می‌اندازد. آن‌هایی که در کره شمالی و روسیه هستند نیز ممکن است به همین نتیجه رسیده باشند. اگر تعهدات هسته‌ای واشنگتن دیگر معتبر نباشند، متحندان ایالات متحده به ترتیبات جدیدی برای تأمین حیاتی‌ترین نیازهای امنیتی خود نیاز دارند.

بحران بازدارندگی گسترده از پایان جنگ سرد به‌تدریج توسعه یافته است. هنگامی که متحندان اعتبار وعده‌های آمریکا را زیر سؤال بردند، واشنگتن در پی تسکین نگرانی‌های آن‌ها برآمده است. ایالات متحده بیانیه‌های رسمی صادر کرده و تعهد خود را به شرکای خود اعلام داشته‌است؛ همچنین نمایش‌های نظامی، نظیر بازدید زیردریایی‌ها از باندر یا پرواز بمب‌افکن‌ها برای تأکید بر قدرت و تعهد آمریکا انجام می‌شود، اما تلاش برای متقاعدکردن متحندان به اینکه همه چیز خوب است، درحالی‌که آشکارا چنین نیست، خطرناک است. امتناع از پرداختن به ضعف راهبرد موجود بازدارندگی گسترده می‌تواند دشمنان را به حمله ترغیب کند. همچنین متحندان در آسیا و اروپا که از امنیت خود بی‌مناکند، ممکن است به‌سرعت دست به تدوین برنامه‌های هسته‌ای خود بزنند که به نو به خود می‌تواند حملات پیگیرانه و تشدید سریع منقشه‌ار را برانیزد.

ایالات متحده باید بپذیرد که دیگر نمی‌تواند تضمین‌کننده هسته‌ای معتبری برای تمام متحندان خود در سراسر جهان باشد. باید با این واقعیت کنار بیاید که شرکای آن به دنبال راه‌حل‌هایی متناسب با واقعیت‌های ژئوپلیتیکی امروز هستند که در برخی موارد شامل دستیابی به سلاح هسته‌ای اختصاصی خود نیز می‌شود. در آسیا، این می‌تواند به معنای ایجاد توافق‌نامه تسهیم متحندان به‌طور جمعی، مشابه آنچه بین واشنگتن و ناتو وجود دارد، باشد؛ توافقی که بر اساس آن ایالات متحده متعهد می‌شود در صورت حمله کره شمالی، کنترل سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی را به‌سئول منتقل کند؛ یا اگر سئول در نهایت تصمیم به خروج از معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای برای ساخت زرادخانه هسته‌ای خود بگیرد، واشنگتن باید از این تصمیم حمایت کرده و از نفوذ خود برای مصون‌سازی کره جنوبی در برابر خطرات ناشی از چنین انتقالی استفاده کند. با توجه بهترین گزینه برای ایالات متحده و شرکای آن، اصلاح برنامه موجود تسهیم هسته‌ای ناتو به‌منظور افزایش کنترل اروپا بر بازدارندگی جمعی این ائتلاف است. فرانسه و بریتانیا – دو کشور دیگر عضو ناتو که دارای سلاح هسته‌ای هستند – می‌توانند نقش خود را در برنامه‌ریزی هسته‌ای ناتو افزایش دهند تا ایستگی اروپا به واشنگتن کاهش یافته و از آسیب‌پذیرترین اعضای ائتلاف بهتر محافظت شود.

بموجب شرکای ایالات متحده برای ایجاد مواضع بازدارندگی قوی‌تر و خودمختارتر، برای بسیاری در واشنگتن امری غیرتاکتیکیز است؛ کسانی که از اشاعه هسته‌ای هراس دارند نوعی خواهند اهرم فشار ایالات متحده را برمعنر تأمین‌کننده امنیت جهانی از دست بدهند، اما شاید این تصمیم واشنگتن نباشد. متحندان ایالات متحده آسیب‌پذیرند و حق دارند گام‌های عینی برای کاهش خطرات واقعی پیش‌روی خود بردارند، خواه به معنای توسعه بازدارندگی هسته‌ای اختصاصی خود باشند و خواه انجام اقدامات دیگری که ممنوعیت‌های منسوخ آمریکا را نقض می‌کند. واشنگتن باید در مسیری که برای حفاظت از خود انتخاب می‌کند، از آن‌ها حمایت کند.

ترتیبات معتبر

راهبرد بازدارندگی گسترده ایالات متحده از دوضرورت متضاد دوران جنگ‌سرد زده‌شده است. ایالات متحده تشخیص داد که سلاح‌های هسته‌ای برای جلوگیری از حملات شوروی به متحندان آمریکا در سراسر جهان ضروری هستند. بااین حال، واشنگتن و شرکای آن نمی‌خواستند که دهه‌ها کار دارای سلاح‌های اختصاصی خود باشند، زیرا از جهانی مملو از دولت‌های هسته‌ای رقیب هراس داشتند. راه‌حل، نظام بازدارندگی هسته‌ای گسترده‌ای بود که در آن ایالات متحده چتر هسته‌ای خود را بر مهم‌ترین متحندان خود در آسیا و اروپا گشود. اگرچه فرانسه و بریتانیا تصمیم به دستیابی به زرادخانه‌های خود گرفتند، سلاح‌های هسته‌ای آمریکا در طول جنگ‌سرد و پس از آن، به‌عنوان بازدارنده راهبردی برای مابقی نظام ائتلافی ایالات متحده عمل کردند. این راهبرد از بدو پیدایش با مشکلات اعتباری مواجه بود، زیرا این تصور دور از ذهن می‌نمود که ایالات متحده برای دفاع از متحندان خود، خطر فاجعه هسته‌ای را بپذیرد. در واقع، در سال ۱۹۶۱، شارل دوگل، رئیس‌جمهور فرانسه، این تصور را که ایالات متحده شهرت نیویورک را برای دفاع از پاریس فاقد کند، به تسخیر گرفت. اگر بخراهم مصنف باشیم، دوگل چالش را بسیار دست‌کم گرفت؛ سیاست ایالات متحده عملاً از واشنگتن می‌خواست که تمام شهرهای بزرگ آمریکا را برای حفاظت از متحندان خود در معرض خطر قرار دهد.

برای افزایش اعتبار بازدارندگی گسترده، ایالات متحده مجموعه‌ای از اقدامات نظامی و مانورهای دیپلماتیک را تدوین کرد. واشنگتن نیروهای نظامی و سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی را در نزدیکی مرز بین‌المان شرقی و غربی و در دست در جنوب خط تقسیم کره شمالی و جنوبی مستقر کرد. با استقرار سلاح‌های هسته‌ای قیقاً در مسیر تهاجم احتمالی، جایی که به‌طور ختم در هرگونه دیگری درگیر می‌شدند، ایالات متحده روشن ساخت که یک حمله بزرگ، خطر

مدیر مسئول:

■ محمد امین ایمانجانی

قائم‌مقام مدیرمسئول:

■ مسعود فروغی

سر‌دبیر:

■ محمد زحیم‌زاده

تلفن و فکس:

■ ۰۲۱)۶۲۹۹۹۴۵۰

کدپستی:

■ ۱۱۳۵۳۳۸۱۶

چاپ:

■ چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی

نشانی:

■ خیابان حافظ، پایین‌تر از جمهوری

رویه‌روی ساختمان پورس

ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم



تشدید فاجعه‌بار را به همراه دارد.

رهبران هر دو حزب سیاسی آمریکا، این استقرارها را با شعارهایی تقویت کردند که نشانگر تفکیک‌ناپذیری منافع آمریکا و متحداش بود. در سال ۱۹۶۳، وقتی جان اف. کندی، رئیس‌جمهور دموکرات، در برلین ایستاد و اعلام کرد «من یک برلین هستم»، بر این نکته تأکید داشت که واشگتن و متحندان کلیدی‌اش در ناتو یکی هستند. بیش از دوهه بعد، رونالد ریگان، رئیس‌جمهور جمهوری خواه، هنگامی که به مخاطبان اروپایی گفت «حمله به شما، حمله به ما است... حمله به مونیخ همانند حمله به شیکاگو است»، بر همین نکته تأکید کرد. اضطراب در باره تعهد آمریکا به‌وضوح احساس می‌شود.

در پس این استقرارهای نظامی و شعارهای دیپلماتیک، یک حقیقت عمیق‌تر نهفته بود: اهمیت ژئوپلیتیکی جنگ سرد به‌قدری زیاد بود که متحندان و دشمنان به طور یک‌سکان می‌توانستند تهدید خارق‌العاده جنگ هسته‌ای را باور کنند. یک حمله موفقیت‌آمیز شوروی به اروپای غربی، کنترل مسکو را بر سرزمینی از قیانسز آرام تا کانال مناش به در مغان می‌آورد. نتیجه‌ای که رهبران آمریکایی آن را تهدیدی جلی برای امنیت ایالات متحده می‌دانستند. پیش‌روی‌های کره شمالی نیز می‌توانست به‌عنوان یک پیروزی بزرگ برای بلوک تحت رهبری شوروی تعبیر شود. در این چهارچوب، معقول بود که ایالات متحده برای مهار اتحاد شوروی و متحداش، خطر آرم‌گدن هسته‌ای را بپذیرد.

فرو پاشی اتحاد شوروی در اوایل دهه ۱۹۹۰، اعتبار بازدارندگی هسته‌ای گسترده ایالات متحده را شروع به‌فراش کرد. ایالات متحده که با چالش‌های امنیتی منطقه‌ای مواجه بود، نه تهدیدهای نزدیک به بقا، تمایل کمتری به خطر انداختن جنگ هسته‌ای به نفع شرکای خود پیدا کرد، اما تعداد کمی از متحندان به این موضوع توجه کردند. برای نمونه، در اروپا سلاح‌های هسته‌ای تا زمانی که تهاجم مجدد روسیه به کشورهای این قاره و یا اور نیاز آن‌ها به بازدارندگی قوی‌تر نشد، به‌عنوان یک مشکل باقی مانده از جنگ سرد تلقی می‌شد. تهدید مسکو به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای علیه کشورهای ناتوس از حمله به اوکراین در سال ۲۰۲۲، درس هشداردهنده‌تری بود. بازنظیم سیاست خارجی ایالات متحده که در دو دولت ترامپ اجرا رد آمده، متحندان را بیش از پیش به زیر سؤال‌بردن قابلیت اتکای وعده‌های هسته‌ای آمریکا سوق داده است. ماهیت سیاست «آمریکا اول» دونالد ترامپ، ژئوپلی اتحادها بر اساس موازن مشارکت آن‌ها در امنیت ملی ایالات متحده است. برای نمونه، راهبرد امنیت ملی دولت در سال ۲۰۲۵ اعلام کرد که سیاست آمریکا اکنون منحصراً از رفتای منافع محوری آمریکا متشکز است. تعهد به «آمریکا اول» به‌وضوح با تعهد به راه‌اندازی جنگ هسته‌ای به نفع متحندان در تناقض است.

کشورهای سراسر جهان ممکن است امیدوار باشند که هرکس در سال ۲۰۲۸ به‌عنوان رئیس‌جمهور انتخاب‌شود، واشنگتن را مجدداً به حمایت از دفاع از آن‌ها متعهد کند. اما فارغ از اینکه چه کسی در دفتر بیضی می‌نشیند، دیگر معقول نیست که ایالات متحده برای کمک به متحندان در افتاده‌ای که در مناقشات منطقه‌ای گرفتارند، جنگی هسته‌ای تمام‌عیار به راه‌اندازد. باوجهت‌دهی ترامپ در سیاست خارجی ایالات متحده، هرگونه توهمی را که واشنگتن به‌طور دائم به دفاع از متحندان خود متعهد است، از بین ببرد. همیشه برای متحندان ریسک داشت که نیازهای امنیتی محوری خود را بر وعده‌های آمریکا مبنی بر جنگ هسته‌ای استوار کنند، حتی زمانی که اجماع دوحزبی رهبران آمریکا به طور علنی از چنین موضعی حمایت می‌کردند. با توجه به اختلاف نظر و واشنگتن بر سر جهت‌گیری سیاست خارجی، اتکای مستمر متحندان به بازدارندگی هسته‌ای گسترده ایالات متحده، یک قمار خارق‌العاده خواهد بود.

در حقیقت، این نظام در سراسر جهان تحت فشار جدی قرار دارد. برای نمونه، افزایش تنش‌ها در تنگه تنگاری تایوان را در ژاپن درباره گرو شدن در آتش متقابل هسته‌ای در صورت درگیری واشنگتن و چین، و در استرالیا درباره کشنده شدن به نبرد در صورت اجازه به ایالات متحده برای استفاده از پایگاه‌هایش در یک جنگ احتمالی، ایجاد کرده است. اما در هیچ کجا، مسائل بازدارندگی گسترده به اندازه شبه‌جزیره کره و اروپای شرقی که خطوط مقدم دو صحنه‌ای هستند که در آن دشمنان مسلح به سلاح هسته‌ای می‌باشند و متجاوز تهدید به تشدید تنش می‌کند، فوری نیست.

سئول در مسیر استقلال

از زمانی که کره شمالی اولین بمب هسته‌ای خود را در سال ۲۰۰۶ آزمایش کرد، پیوند یکپانگ بین ۵۰ تا ۹۰ کلاهک محوری در مسیر هجومی کره و زرادخانه‌اش همچنان در حال رشد است. دولت کره شمالی به نیر وهی مسلح خود دستور داده نیروهای هسته‌ای را در طرح‌های جنگی متعارف کشور ادغو کندند که این را حاکی از آن است که هر جنگ بزرگی در شبه‌جزیره هسته‌ای خواهد شد؛و احتمال استفاده از سلاح هسته‌ای وجود دارد. پیشرفت‌های فناوری، کره شمالی را حتی به‌قدری خطرناک‌تر کرد. در سال ۲۰۱۷، کره شمالی وسیله‌ای را آزمایش کرد که چندین مرتبه قدرتمندتر از بمب‌های اتمی پیشین آن بود که نشان می‌دهد این کشور در مسیر توسعه سلاح‌های همچونی قدرتمندی قرار دارد که قادر به نابودی کل مناطق شهری در یک انفجار واحد هستند. همچنین پیشرفت در سامانه‌های تحویل بین‌قاره‌ای، به‌زودی شهرهای آمریکا را مستقیماً در تیررس پیوند یکپانگ قرار خواهد داد. اگر سلاح‌های هسته‌ای کره شمالی بتواند شهرهای آمریکا را هدف قرار دهد، سیاست‌گذاران آمریکا پیش از استفاده از نیروهای هسته‌ای به نفع کره جنوبی، فکر خواهند کرد.

در همین حال ایالات متحده به‌تدریج ترتیباتی را که زمانی اعتبار بازدارندگی گسترده‌ادر در شبه‌جزیره تقویت می‌کرد، از میان برانشته است. واشنگتن شمار نیروهای مستقر در آنجا را کاهش داده و آن‌ها را به سمت جنوب، دورتر از منطقه غیرنظامی که کشور را از کره شمالی جدا می‌کند، منتقل کرده است. همچنین در سال ۱۹۹۱، زمانی که جنگ سرد به پایان رسید، واشنگتن سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی خود را از کره جنوبی خارج کرد.

شعارها و سیاست‌های دولت ترامپ، رس کره جنوبی از هاشان ریش‌ازپیش دامن زده‌است. تسای تسپ‌هایست‌های تجاری تهاجمی را در پیش گرفته و از ارزش ائتلاف کاسته و گلايه کرده که ایالات متحده از کره جنوبی «ایگمان» محافظت کرده است. در سال ۲۰۲۵، مأموران اداره مهاجرت و گمرک ایالات متحده به یک کارخانه باتری هیوندای ال‌اچ‌جی در دست ساخت در جیوجیا یورش برده و صدها همپناس کره جنوبی را آن‌ها و یا یزای تجارتی در ایالات متحده بودند، بازداشت کردند. تصاویر هم‌پناس غل‌زنجیر دشمنان، خشم کره جنوبی هارا برانگیخت. اخیراً تصمیم ترامپ در طول جنگ با ایران مبنی بر انتقال سامانه‌های دفاع موشکی ایالات متحده از کره جنوبی به خلیج فارس، علیرغم مخالفت سئول، نمونه‌ای از نگرانی فزاینده کره جنوبی بود که کره جنوبی به‌دلیل وابستگی از آن‌ها و یا یزای تجارتی در ایالات متحده گسترده هسته‌ای مستلزم عکس این امر است؛ تمایلی به دفاع‌کاری قابل توجه به نفع شرکای خود. بافرسایش شرایط، رهبران کره جنوبی سه‌گانه به‌اصلی برای تقویت بازدارندگی هسته‌ای را مورد بحث قرار داده‌اند. سئول می‌تواند از ایالات متحده درخواست کند سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی را مجدداً در کره جنوبی مستقر کند. به طور جایگزین، واشنگتن و سئول می‌توانند نظام تسهیم هسته‌ای ایجاد کنند که مشابه ترتیبات بین ایالات متحده و متحداش در ناتو باشد؛ ایالات متحده بمب‌های هسته‌ای را در پایگاه‌های نظامی خود در کره جنوبی مستقر کرد و متعهد شد که در صورت بروز بحران یا جنگ، کنترل آن سلاح‌ها را به سئول واگذار کند یا در اقدامی که نشانگر تغییری چشمگیرتر خواهد بود، کره جنوبی می‌تواند از حق قانونی خود برای خروج از معاهده

منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای استفاده کرده و زرادخانه هسته‌ای اختصاصی خود را بسازد.

سئول عناصر اصلی یک زرادخانه هسته‌ای – به جز خود سلاح‌ها – را در اختیار دارد

تاکنون، کره جنوبی به اصل منع گسترش پایبند بوده و بسیاری از کارشناسان امنیتی کره جنوبی هنوز با هسته‌ای شدن متخالفند، زیرا خطر تحریم‌های اقتصادی، از نوازی دیپلماتیک یا حتی حمله پیشگیرانه کره شمالی را به همراه دارد، اما با توجه به اعتبار نامشخص ایالات متحده، رهبران سئول ممکن است به‌زودی تصمیم بگیرند که نمی‌توانند بقای کشور خود را بر وعده‌های متحندی متزلزل به‌قمار بگذارند. کره جنوبی ممکن است توافق تسهیم هسته‌ای را برای حفاظت کافی بپذیرد، اما این احتمال به‌طور فزاینده‌ای وجود دارد که سئول احساس کند به بازدارندگی هسته‌ای مستقلی نیاز دارد. نظر منحنی‌های متعدد در طول دهه گذشته نشان داده است که اکثریت قاطع شهروندان کره جنوبی از چنین اقدامی حمایت می‌کنند.

سئول برای دهه‌ها میانه‌مدستیایی به‌قابلیت هسته‌ای مستقل را فراهم کرده است. این کشور پیش‌تر سامانه‌های پرتاب موزدنیا برای یک نیروی تلافی‌کننده هسته‌ای امن و مؤثر ساخته است. کره جنوبی تنها کشور غیر هسته‌ای در جهان است که دارای زیردریایی‌های موشک‌انداز بالستیک است. این کشور سه فروند از این زیردریایی‌ها را در اختیار دارد و سه فروند دیگر نیز می‌سازد. افزون بر این، نیروی هوایی این کشور ناوگان بزرگ و روبرو شد از جنگنده‌های مدرن را اداره می‌کند که در بیش از دوازه پایگاه‌های نظامی پراکنده شده و توسط صدها پناهگاه سخت محافظت می‌شوند؛ زیرساخت‌های ابتدای برای یک بازدارندگی هسته‌ای هوایرد. همچنین کره جنوبی ده‌ها موشک زمین‌به‌هوا متحرک را اداره می‌کند. به‌طور خلاصه، این کشور پیش‌تر هزینه عناصر اصلی یک زرادخانه هسته‌ای را پرداخت کرده و آن‌ها را ساخته است، به جز خود سلاح‌ها. سیاست‌گذاران آمریکایی همواره از زرادخانه مستقل کره جنوبی مخالف بوده و در عوض کوشیده‌اند سئول را متقاعد کنند که نظام موجود همچنان مستحکم است. برای نمونه، در سال ۲۰۲۳، دولت بایدن در پاسخ به پرسش‌های سئول در باره قابلیت اطمینان بازدارندگی آمریکا، رئیس‌جمهور کره جنوبی را در اجلاسی پذیرفت. تعهد ایالات متحده به دفاع از کره جنوبی را تکرار کرد و یک زیردریایی موشک‌انداز هسته‌ای را برای بازدید از بندر بوسان کره جنوبی اعزام کرد. مقامات آمریکایی و نخبگان سیاست خارجی همچنین کوشیده‌اند با اشاره به پیامدهای مقرر در قانون امریکابرای کشورهایی که مدنیان سلاح هسته‌ای می‌روند – از جمله تحریم‌های خودکذا و از دست دادن دسترسی به سوخت و فناوری هسته‌ای غیرنظامی سئول از برنامه‌ریزی برای یک مسیر مستقل منصرف کنند؛ اما با کاهش اعتبار آمریکا، سبب‌پذیری فزاینده کره جنوبی ممکن است سئول را به‌ر حال به پیش‌روی وادار. نتیجه این که در دوره‌ای که کره جنوبی سعی در توسعه سلاح هسته‌ای دارد، خطر جنگ بیشتر خواهد بود، زیرا کره شمالی چنین اقدامی را تهدید تغییر کرد و احتمالاً حمله خواهد کرد.

اگر کره جنوبی در خواست ترتیبات تسهیم هسته‌ای کند، ایالات متحده باید از این راه‌حل استقبال کند. این امر بازدارندگی در شبه‌جزیره کره را بدون آن‌که واشنگتن را با چالش‌های دیپلماتیک و راهبردی ناشی از دستیابی یک متحد به یک سلاح هسته‌ای مواجه کند، تقویت می‌نماید. به‌طور جایگزین، اگر کره جنوبی تصمیم بگیرد که به سلاح هسته‌ای اختصاصی خود نیاز دارد، ایالات متحده باید به سئول در دستیابی ائمن به آن کمک کند. واشنگتن می‌تواند در دوره انتقالی که کره جنوبی هسته‌ای می‌شود، با استقرار موقت سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی در شبه‌جزیره و همچنین زیروهای آمریکایی، به نزدیکی منطقه غیرنظامی، بازدارندگی گسترده‌تر ایجاد کند. ایالات متحده می‌تواند موقتاً تدبیر در جماع بین‌المللی که ممکن است تحریم تعهد آن‌ها مورد بحث قرار گیرد، به‌شدت از سئول دفاع کند. (دلایل مشروعی برای نیاز بزرگ جنوبی به سلاح هسته‌ای وجود دارد، زیرا تهدیدی که با آن مواجه است از زرادخانه‌های هسته‌ای از سوی کره شمالی ناشی می‌شود که با نقض قطعه‌نامه‌های متعدد شورای امنیت سازمان ملل به دست آمده است.) واشنگتن همچنین می‌تواند تحریم‌های مقرر در قوانین امریکارا تعلیق کند، مشابه آنچه در سال‌های ۱۹۹۹–۱۹۹۸ برای هند و پاکستان انجام داد.

اگر رهبران ایالات متحده چالش‌های واقعی بازدارندگی را که در شبه‌جزیره کره به وجود آمده است بپذیرند و به کره جنوبی در انجام ابتدای برای محافظت از خود نیاز دارو کمک کنند، ایالات متحده می‌تواند با اتحادی قوی‌تر از آن بیرون آید. اتحادی که شبیه روابط نزدیکی است که با دیگران دارای سلاح هسته‌ای فرانسه، اسرائیل و بریتانیا حفظ می‌کند.

کلیدهای یکدی

در دوهه اخیر، روسیه برای دفاع از خود در برابر ناتو به گرستان حمله کرده، کره به‌رما تصرف کرده و حمله‌ای تمام‌عیار به‌وفور آن آغاز کرده است؛ اما با وجود این، دولت ترامپ را متحداش در توافقی فاصله‌گرفته‌اند. اگر کره اروپا می‌تواند از خود در برابر روسیه‌ای که بسیار ضعیف‌تر از شوروی سابق است، دفاع کند، افزون بر این، در تضاد آشکار با اعلامیه‌های کندی و ریگان مبنی بر اینکه ایالات متحده و متحداش کاملاً در یک کتیم قرار دارند، دولت ترامپ بر حوزه‌ای تأکید کرده است که منافع آمریکا و متحداش در آن‌ها قرار است. این دولت از متحندان ناتو به‌طاح سوری مجانی بر هز به‌های نظامی ایالات متحده انتقاد کرده، دولت‌های اروپایی را به‌خطر محلودیت‌هایی که سطح آن‌ها را سرکوب‌گرانه در حوزه آزادی بیان می‌داند، توبیخ کرده و تهدید به تصرف گرینلند که تحت اداره دانمارک (یکی از متحندان ناتو) است، کرده است. همچنین در اوایل دهه ۲۰۱۰ ترامپ به عدم مشارکت اروپا در جنگ با ایران و نیز انتقادهای صدراعظم آلمان، فردریش مرس، از این مناقشه، باخارج کردن ۵۰۰۰ سار از آلمان پاسخ‌داد. سلاح‌های هسته‌ای ایالات متحده همچنان سبب‌های بازدارندگی هسته‌ای ناتو باقی مانده‌اند، اما با توجه به تغییر عمده‌ای که از جنگ سرد تاکنون در اهمیت مسائل و نیز چشم‌انداز سیاسی در حال تغییر ایالات متحده رخ داده است، دولت‌های اروپایی دیگر نمی‌توانند شرف کنند که وعده‌های هسته‌ای آمریکا بکنند. اضطراب در باره تعهد ایالات متحده به‌وضوح احساس می‌شود. کشورهای اروپایی، به‌ویژه آن‌هایی که در اروپای شرقی هستند، بحث درباره چگونگی تقویت بازدارندگی هسته‌ای ناتو آغاز کرده‌اند.

برای کشورهای آسیب‌پذیر اروپای شرقی، پیگیری قابلیت‌های هسته‌ای مستقل، به احتمال زیاد بهترین راه‌حل نخواهد بود. حتی لهستان که دارای توانمندترین نیروی نظامی در منطقه است، برای توسعه یک زرادخانه هسته‌ای امن با موانع قابل توجهی مواجه خواهد شد. ورو شو اقتد سامانه‌های پرتابی است که باید به‌واسط یک بازدارندگی هسته‌ای قوی و قابل اتکا هستند. لهستان از زیردریایی مدنی ندارد؛ در حال مذکور برای خرید تعدادی از سون‌دار است، اما این زیردریایی‌ها عمدتاً برای گشت‌زنی ساحلی خواهد بود و نمی‌توانند تعداد زیادی موشک حمل کنند و مسائل تاحملاتی شدن با صاف دارند. لهستان تعداد کمی برای بزرگ متحرک زمین‌به‌په در اتحاد دارد، اما به‌سختی می‌توانند تا نیمه‌های ارس‌ن‌تر زیورگر را پوشش دهند، چه‌رسد به‌سکو. مروت‌ترین پیش‌نویز برای تسهیم هسته‌ای اروپا، توسط لهستان و سئول می‌تواند نظام تسهیم جنگنده‌های اف-۳۵ در ساختار خود است. اما اتکا به سلاح‌های هسته‌ای هوایرد برای بازدارندگی از حمله، برای کشوری که این‌قدر به‌روسیه نزدیک است، خطرناک است. زرادخانه لهستان در برابر یک باران موشکی روسیه بر فروگاه‌هایش آسیب‌پذیر خواهد بود که می‌تواند وورش را بدون توانایی تلافی باقی بگذارد.

لهستان همچنین از بلوک‌های سازنده برای ایجاد سریع مراد شکافت‌پذیر موزدنیا سلاح‌های هسته‌ای بی‌بهره‌است. در مقایسه با برنامه هسته‌ای غیرنظامی سئول، برنامه وروش کوچک‌است و لهستان نه دارای ذخایر بزرگ سوخت هسته‌ای مصرف‌شده است و نه تأسیسات موزدنیا برای بازفرآوری آن و ساخت سلاح را دارد. با گذشت زمان، اگر لهستان تصمیم بگیرد، می‌تواند یک زرادخانه هسته‌ای توانمند بسازد، اما اجزای آن هنوز در جای خود قرار ندارند. این موانع قابل توجه برای دیگر اعضای آسیب‌پذیر ناتو در اروپای شرقی که از پول کمتر، سامانه‌های تحویل ضعیف‌تر و قلمرو کوچک‌تری برای استقرار و حفاظت از سلاح‌های خود بردارند، حتی بلندتر است. به‌جای تشویق کشورهای عضو به پیگیری زرادخانه‌های هسته‌ای مستقل، ناتو می‌تواند برنامه‌های موجود تسهیم هسته‌ای خود را برای افزایش بازدارندگی اصلاح کند. تحت ترتیبات کنونی، ایالات متحده در زمان صلح، تعداد معدودی بمب هسته‌ای در او با مستقر می‌کند. این سلاح‌ها تحت کنترل انحصاری آمریکایی‌ای می‌مانند؛ فقط هستند و فقط رئیس‌جمهور ایالات متحده می‌تواند آن‌ها را باز کند. در صورت بروز یک بحران هسته‌ای جلی، ناتو می‌تواند رأی به پرانگند کردن این سلاح‌ها دهد و ایالات متحده – حداقل در تئوری – آن‌ها را به نیروهای هوایی اروپایی که تحت فرماندهی ناتو عمل می‌کنند، واگذار خواهد کرد.

یکی از کاستی‌های راهبردی کنونی این است که ناتو ممکن است تمایل به بازاندازی جنگ هسته‌ای برای حفاظت از اعضای شرقی ائتلاف نداشته باشد. ایالات متحده و شرکای آن در ناتو می‌توانند از فرار دادن بخشی از نیروهای هسته‌ای ائتلاف در جایی که در صورت حمله روسیه به یکی از متحندان اروپای شرقی نظیر لهستان، در هرگونه درگیری دیگر شوند، این مشکل را برطرف کنند. برای نمونه، وروش می‌تواند تأسیسات مدرن ذخیره‌سازی هسته‌ای را در چندین فروگاه خود بسازد، چه‌بعنوان مکان‌هایی برای نگهداری سلاح‌های هسته‌ای ناتو در زمان صلح و چه‌بعنوان مکان‌هایی که می‌توانند در زمان بحران مورد استفاده قرار گیرند. استقرار سلاح‌های هسته‌ای در خاک لهستان، با وادار کردن روسیه به مواجهه با این خطر که تهاجم به لهستان با دفاع هسته‌ای مواجه‌شود، بازدارندگی را تقویت خواهد کرد.

اما ترتیبات موجود تسهیم هسته‌ای با چالش‌های اساسی‌تر مواجه است: یک فرد – رئیس‌جمهور ایالات متحده – می‌تواند انتقال سلاح‌ها را ووت کند؛ بنابراین تسهیم هسته‌ای ناتو در شکل کنونی خود، تنها بازدارنده تعهد ایالات متحده به متحندان اروپایی خود معتبر است.

بهترین راه‌حل در گسترش فهرست کشورهایی نهفته است که کلید زرادخانه هسته‌ای ناتو را در اختیار دارند. در یک ترتیبات اصلاح‌شده، فرانسه بر بریتانیا می‌تواند ترند کرده و دهه‌ها سلاح هسته‌ای در ذخیره ائتلاف اضافه کنند. این سلاح‌ها به‌باید برای حمل توسط هواپیماهای ناتو مناسب باشند، می‌توانند در پناهگاه‌های موجود ناتو که در سراسر اروپا پرانگنده هستند، قرار داده شوند. در زمان صلح، این سلاح‌های اضافی فرانسو و بریتانیا همچنان تحت کنترل کامل فرانس و لندن باقی می‌ماند، درست همان‌گونه که سلاح‌های ایالات متحده تحت کنترل واشنگتن هستند، اما در زمان بحران می‌توانند به سایر اعضا واگذار شوند.

ناتو باید کنترل اروپا بر بازدارندگی جمعی خود را افزایش دهد

این ترتیبات به‌روزرسانی شده، منطق طر موجود را حفظ می‌کند، اما بازدارندگی ناتو را از یک نظام «تک‌کلیدی» به یک نظام «کلییدی» تبدیل می‌کند. در حال حاضر، اگر یک فرد واحد، یعنی رئیس‌جمهور ایالات متحده، از ارائه کلید باز کردن قفل بمب‌ها خودداری کند، نیروی هسته‌ای ناتو از زمین بی‌مورد. در این مورد، یک فرد واحد – فرانسه، بریتانیا یا ایالات متحده – اجازه اقدام را در اختیار دارد، بازدارندگی عملیاتی خواهد بود.

یک ترتیبات سه‌کلیدی با معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای مطابقت خواهد داشت، زیرا فرانسه، بریتانیا و ایالات متحده کنترل زمان صلح و سلاح‌های خود را حفظ خواهند کرد. فرانسه در حال حاضر دارای موشک‌های کروز هوایردی است که برای گنجاندن در ترتیبات تسهیم مناسبند. برای ایفای این تعهدات جدید، فقط نیاز به ساخت دوازه موشک مجهز به کلاهک هسته‌ای دیگر و به‌اشتراک گذاری نرم‌افزار و کانکتورهای فیزیکی موزدنیا هواپیماهای ناتو برای استفاده از آن‌ها خواهد داشت. از آنجا که بر بریتانیا فقط دارای سلاح‌های هسته‌ای پرتاب‌شونده زرادخانه ناتو است، اما این‌ها می‌توانند تسهیم‌های به‌روزرسانی شده‌ای از بمب‌های گراشی هسته‌ای باشند که تا اواخر دهه ۱۹۹۰ مستقر کرده‌بود.

یک نظام اصلاح‌شده بر اساس این خطوط، در دسترس است. فرانسه و بریتانیا تأسیسات تولید و دانش فنی ساخت این سلاح‌ها را در اختیار دارند. ساخت کلاهک‌های اضافی عمدتاً مستلزم استخدا ن نیروهای کار بیشتر، افزایش شیفت‌های کاری و شاید به تعویق انداختن برخی از تعمیرات نگهداری‌های معمول کلاهک‌هاست؛ زیرا تأسیسات فرآوری پلوتونیم این کشورها مشغول تولید سلاح‌های جدید خواهد بود. در فرانسه در حال افزایش زرادخانه موشک‌های کروز هسته‌ای خود است، اگرچه تاکنون از اختصاص دادن هیچ سلاحی به کره برنامه تسهیم ناتو تقویت‌شده خودداری کرده‌است. یک ترتیبات به‌یافته تسهیم در صورتی بهتر عملگر درا خواهد داشت که هم‌فرانس و هم بریتانیا سلاح‌هایی به ذخیره ناتو اضافه کنند، اما مشارکت هر یک از این کشورها، بازدارندگی را نسبت به ترتیبات کنونی تقویت خواهد کرد.

خواه یا ناخواه

برای واشنگتن، سادترین اقدام پایبندی به نظام موجود بازدارندگی گسترده جهانی است. این امر متحندان را برای تأمین امنیت خود به ایالات متحده وابسته می‌کند؛ نفوذ آمریکا را در نقاط داغ ژئوپلیتیکی جهان به حداکثر می‌رساند و – حداقل در کوتاه‌مدت – گسترش سلاح‌های هسته‌ای را محدود می‌کند. همچنین از ایجاد تنش‌های جدید جلوگیری می‌کند؛ به‌ر حال، دشمنان ایالات متحده هرگونه تغییر در وضع موجود را تهدیدی تحریک‌آمیز تلقی کرده و به‌شدت با آن مخالفت خواهند کرد.

اما منافع نظام بازدارندگی گسترده، واشنگتن و شرکای آن را به‌سوی فاجعه سوق می‌دهد. یک راهبرد امنیتی مبتنی بر حقه، ذاتی‌امی که به‌جای کوشیده‌شد، یک معامله به‌نظر مقرون‌بصرفه خواهد بود. بهتر است پیش از وقوع یک بحران نظامی، امروز بازدارندگی را تقویت کرد.

حتی اگر واشنگتن نخواهد مسیر خود را تغییر دهد، ممکن است چاره‌ای نداشته باشد. متحندان ایالات متحده ممکن است به‌سادگی بازدارندگی گسترده آمریکا را رد کرده و به دنبال جایگزین‌های خود برونند. کره جنوبی ممکن است تصمیم بگیرد که باید مسئولیت امنیت ملی خود را بپذیرد و اروپایی‌ها ممکن است به این نتیجه برسند که برای تقویت بازدارندگی هسته‌ای در اروپای شرقی باید اقدامی انجام‌شود. بهترین گزینه برای واشنگتن، کمک به آن‌ها در توسعه و دیگر عده‌ای خود به بازدارندگی است. حمایت از متحندان در حین انجام این کار، خطر جنگ را در دوره انتقال به یک وضعیت بازدارندگی جدید کاهش داده و شانس استقرار روابط نزدیک‌تر و پریزاتر را از پس از آن افزایش می‌دهد. نظام جهانی بازدارندگی هسته‌ای گسترده، راهبردی جسورانه بود که برای شرایط منحصربه‌فرد و اهمیت‌های خاص جنگ سرد طراحی شده‌بود. آن دوران به‌سر آمده است. ایالات متحده باید راهبردی‌ها بازدارندگی را برای جهانی باظری‌اش کند نه آن‌گونه که روزگاری بود، بلکه آن‌گونه که هست.

آگهی مزایده عمومی

حساب سیبا شماره ۰۰۴۰۸۲۹۳۴۵۳۰۱، بانک ملی ایران در وجه دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه و ارزگردیز کرد، همچنین قیمت پایه مزایده برای اجاره مجتمع آموزشی دانشکده مهارت برای هر ماه ۴۰,۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال و برای یک سال ۵۱۶,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال می باشد.

آدرس: ساوه- بلوار شهید بهشتی - بلوار شهید فهمیده - کیلومتر ۴ جاده نورعلی بیگ - شهرک دانشگاهی خاتم الانبیاء - تدارکات دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه- تلفن تماس آگهی: ۰۴۱-۴۴۴۳۳-۰۸۶ و آقای مهندس

مرادی ۰۲۳۳۳۰۲۰-۰۸۶ و ۰۲۹۷-۰۹۱۷۵۵۰۹۱۷

ضمناً دانشگاه در رد یا قبول هر یک از پیشنهادات کاملاً مختار بوده و هزینه درج آگهی بر عهده نفر برنده مزایده می باشد.

تاریخ درخواست: سه شنبه مورخه ۱۴۰۵/۰۴/۳۰

تعیین اول

صدای نخبگان

نگاه جوانان

روزنامه فرهیختگان

FARHIKHTEGAN

farhikhteganonline